



روش‌های اجرای اهداف توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست*



شیمای نادری** - دکتر مریم افشاری***
دکتر پروین فرشچی**** - دکتر سیدعباس پورهاشمی*****

چکیده

حقوق محیط‌زیست ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است؛ پایداری توسعه در کشورها اعم از فقیر و غنی، صنعتی و غیر صنعتی، مفهوم توسعه پایدار را از چارچوب مرزهای ملی فراتر برده و در قالب نظام حاکمیت جهانی، قابل ارزیابی و تحلیل است. هدف از مطالعه موردی خلیج فارس در این نوشتار، اهمیت خاص این منطقه از لحاظ وجود منابع عظیم انرژی‌های تجدیدناپذیر به خصوص نفت، گاز و شرایط خاص زیست‌محیطی به ویژه بسته‌بودن این خلیج، عبور کشتیهای نفتکش، بهره‌برداری خارج از استاندارد جهانی و دور از انتظار با بررسی اجرای شاخص‌های توسعه پایدار در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به دنبال ارائه راهکاری صحیح برای حفاظت از خلیج فارس می‌باشد. در این رهگذر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی، سه رکن اساسی توسعه پایدار هستند و تمامی این شاخص‌ها، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در خلیج فارس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال است که اجرای توسعه پایدار در محیط‌زیست دریایی خلیج فارس از چه مسیرهایی امکانپذیر است؟ نوشتار

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته حقوق محیط زیست با عنوان «تدوین الگوی حقوقی توسعه پایدار در راستای حفاظت محیط زیست دریایی، خلیج فارس» در یر تو دستور کار ۲۱ و دستور کار ۲۰۳۰ است.

** دانشجوی دکتر، گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

علوم و تحقیقات، تهران، ایران. / ایمیل: shima.naderi_barrister@yahoo.com

*** نویسنده مسئول استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، تهران،

مدیر گروه حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی وانجمن ایرانی مطالعات زنان، ایران. /

ایمیل: afshari@damavandiau.ac.ir

**** استادیار، گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ایران. / ایمیل: parvinfarshchi@gmail.com

***** عضو هیات علمی و رئیس موسسه تخصصی حقوق بین‌الملل کانادا، تورنتو، کانادا / ایمیل:

ahashemy@yahoo.com

پیش‌رو، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی ضمن بررسی وضعیت زیست محیطی خلیج فارس نحوه اجرای توسعه پایدار در این منطقه را شناسایی کرده و در پایان راهکارها و پیشنهادها لازم ارائه می‌دهد. نتیجه کلی مقاله با تامل در اهداف ۱۴ و ۱۷ سند ۲۰۳۰ نشان می‌دهد که نیاز است، آیینهای اجرایی از طریق تعیین شاخص‌ها، کنترل شود.

کلیدواژگان

شاخص‌های توسعه پایدار، خلیج فارس، دستور کار ۲۰۳۰، حقوق بین‌الملل محیط زیست، اهداف ۱۴ و ۱۷ سند ۲۰۳۰.

مقدمه

توسعه پایدار از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌شمار می‌آید. آیین‌های توسعه پایدار از جنبه‌های مختلف پایداری یا ثبات برخوردار است. این آیین‌ها از طریق تعیین شاخص‌ها، اجرا می‌گردد. ضمن تامل در مفهوم توسعه پایدار، می‌توان دریافت که شاخص‌های توسعه پایدار محیط زیست یعنی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سه رکن اساسی توسعه پایدار می‌باشند که از اجزای تشکیل دهنده این آیین‌ها نیز هستند. از این‌رو بررسی توسعه پایدار به مفهوم واقعی آن، نیازمند درک شاخص‌های آن از زوایای گوناگون است. به همین دلیل در فصل چهارم دستور کار ۲۱^۱ بر تدوین و بسط شاخص‌های توسعه پایدار و استفاده از آنها برای سنجش و اندازه‌گیری توسعه پایدار تاکید شده است.

با توجه به دستور کار ۲۱ در گذشته و سند نهایی ریو که سرلوحه‌ای برای دولت‌ها به‌شمار می‌رفته اکنون دستور کار ۲۰۳۰ را پیش‌روداریم که به‌نوعی مکمل اهداف تحقق نیافته سند توسعه هزاره^۳ (۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵) است. هدف نهایی سند ۲۰۳۰ آماده کردن جهان برای رویارویی با چالش‌های قرون آتیه است و دولت‌ها نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف دستور کار ۲۰۳۰ برای بالا بردن سطح همکاری و تعاون در زمینه محیط زیست و توسعه ایفا می‌کنند. در واقع دستور کار ۲۰۳۰ ادامه دهنده دوره سوم توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد که اذعان می‌دارد: توسعه پایدار یک انتخاب نیست، بلکه تنها راه پیش‌روی ماست؛

عملکرد و جایگاه قواعد نرم در حقوق بین‌الملل محیط زیست و کاهش کاستی‌های نظام ضمانت اجرا، دو مقوله مهم در حفاظت از محیط زیست به‌شمار می‌روند. در این راستا با وجود

^۱ - Agenda21, CHARTER FOR FUTURE, RIO - 1992

^۲ Agenda 2030

^۳ - Millennium Development Goals

خلأهای قانونی در زمینه دستیابی به توسعه پایدار و نیز بهره‌مندی از سند ۲۰۳۰ در بستر محیط زیست دریایی به‌ویژه خلیج فارس که زمینه‌ساز به‌وجود آمدن پرسش‌های بسیاری است؛ اما سمت و سوی سوال این پژوهش این است که مکانیسم‌های اجرای توسعه پایدار در محیط زیست دریایی خلیج فارس از چه طریقی امکان‌پذیر بوده؟ برای پاسخ به این پرسش، فروض بسیاری را می‌توان در نظر گرفت که فرضیه نوشتار پیشرو بر این بستر استوار است که اهداف توسعه پایدار^۱ دستور کار ۲۰۳۰ قابلیت اجرایی شدن در حوزه خلیج فارس و حفاظت از آن در برابر مخاطرات زیست محیطی را برعهده دارند. بنابراین در این مقاله سعی شده است از طریق روش توصیفی-تحلیلی، به منظور درک بهتر از مفهوم توسعه پایدار که قریب به ۳۲ سال از طرح این اندیشه در سال ۱۹۸۳ در «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»^۲ می‌گذرد؛ به تحلیل ۲ هدف از ۱۷ هدف اصلی مندرج در دستور کار ۲۰۳۰ پرداخته و در نتیجه تأثیرات شاخص‌های توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی، محیطی) را از منظر سند مذکور بررسی و برای اجرای این اهداف در محیط زیست دریایی خلیج فارس بکار ببندیم.

۱- پیشنهاد

یکی از آثار در این زمینه، مقاله سید عباس پورهاشمی، علی‌رضا جوادی، شیرین شیرازیان، (۱۳۹۷)، در مقاله با عنوان «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط زیست (بارویکردی انتقادی)» (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۱-۱۳۹۷:۱۳۹)، با نگاهی انتقادی ضمن نشان دادن ظرفیت‌های موجود برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، به موانع و کاستی‌های آن پرداخته، لذا با بررسی خلأهای حقوقی و اجرایی، پیشنهادهایی از قبیل «بازنگری در برنامه سازمان ملل برای حفاظت محیط زیست»، «اصلاح ماهوی»، «اتخاذ رهیافت بین‌المللی کردن حفاظت محیط زیست» و «اصلاح ساختاری» حقوق بین‌الملل محیط زیست را برای جبران آن ارائه می‌نماید. بر اساس این پژوهش، می‌توان گفت نقطه قوت توضیحات مربوط به چگونگی تدوین اصول و قواعد الزام آور زیست محیطی است که منجر به توسعه حقوق محیط زیست چه از منظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی می‌گردد. نقطه ضعف این مقاله این است که به راهکارهای کارآمدی اشاره نشده است.

اثر بعدی مربوط به مقاله اسداله مهرآرا، علیرضا زارع زیدی، سپیده مدانلو جویباری، (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی نقش حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار» (مهرآرا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۱۵) است که مفاهیم توسعه، توسعه پایدار و محیط زیست و تأثیر انسان بر محیط زیست را بیان

^۱- Sustainable Development Goal (SDG)

^۲- World Commission on Environment and Development

کرده اند. نتایج این پژوهش به درستی نشان می‌دهد که رسیدن به توسعه پایدار بدون آموزش همگانی امکان‌پذیر نیست. اما بهتر بود در تیتراژ قسمت‌های مختلف ارائه شده در مقاله از کلمه «ایجاد» استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه: نقش اقیانوس‌ها، دریاها و منابع آبی در «ایجاد» توسعه پایدار و نقطه ضعف دیگر آن عدم تبیین دستور کار ۲۱ در بخش‌های مربوط به توسعه پایدار می‌باشد.

اثر نهایی که در این قسمت به آن اشاره می‌شود تدوین مقاله ای با عنوان «پایداری مستحکم در نواحی ساحلی: تفسیری مفهومی از هدف ۱۴ توسعه پایدار» توسط باربارا نومن، کونراد اوت، ریچارد کنچینگتون، (Neumann, et al 2017:1019-1035) است که به خوبی به تفسیر هدف کاربردی ۱۴ از دستور کار ۲۰۳۰ که یکی از اهداف مورد اشاره در این مقاله نیز هست، می‌پردازند. اهمیت پرداختن به این هدف آنجایی ظهور می‌کند که هم در کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه از آب‌ها و سواحل آنها باید به عنوان ایجاد فرصت‌های پررونق اقتصادی با حفاظت و ملاحظه بیشتری بهره‌مند گردید. نویسندگان مقاله مذکور اینگونه ابراز می‌دارند که «ماهیت فراگیر و غیرقابل انکار برنامه ۲۰۳۰ به شکلی هدفمند تدوین شده است که دربرگیرنده تمامی چالش‌های جهانی توسعه پایدار باشد» و راه اصلی دستیابی به توسعه پایدار را «حل و فصل مناقشات از طریق ایجاد یک حاکمیت ساحلی یکپارچه و تطبیق یافته»، دانسته‌اند که با توجه به مسائل مطرح شده راهکاری جزعی برای اتمام این کلی‌گویی‌ها ارائه نداده‌اند.

۲- مبانی نظری: جایگاه مفهوم توسعه پایدار در منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست

از آنجاییکه «ضرورت حفاظت از محیط زیست مشکلی وسیع و پیچیده در حقوق بین‌المللی است» (طیبی و دیگران، ۱۳۹۸:۱۹۲)، «تحقق اهداف حقوق بین‌الملل محیط زیست در جهان امروز، با سازوکارهایی که به منظور پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست طراحی شده است، میسر می‌شود. بسیاری از این سازوکارها به دلیل ضعف ضمانت اجرای مستحکم، در برخی از موارد نادیده گرفته می‌شود؛ با این حال، حقوق بین‌الملل محیط زیست سعی دارد تعهداتی از درجه نرم را به شکل قواعد قوام یافته و سخت، شناسایی کند که در صورت نقض، جبران آن امکان‌پذیر شود» (شهبازی، برلیان، ۱۳۹۷:۳۹). «صرف نظر از اینکه درباره مفهوم تخریب در حقوق محیط زیست دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی ارائه شده است» (Khalatbari, Pourhashemi, 2019: 22)، «در سال‌های اخیر دفتر حفاظت محیط زیست سازمان ملل متحد بیشتر از گذشته وارد مسأله تخریب محیط زیست شده و نشست‌های جهانی با شرکت کشورهای مختلف دنیا برگزار کرده است. بدیهی است ضعف بزرگ این نشست‌ها عدم ضمانت اجرایی مصوبات آنها می‌باشد. چه

اینکه در دهه‌های گذشته نیز کنوانسیون‌هایی چون کنوانسیون رامسر و کویت جهت حفاظت از گستره‌های طبیعی با شرایط حاد تصویب گردیده بود اما این اقدامات قادر به اصلاح کلی روند توسعه صنعتی نبوده و محیط زیست جهان همچنان با چالش‌های بزرگی روبروست (عسگری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷). «با توجه به اینکه به‌علت اتکا بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و ... که از ضمانت اجرای حقوقی قدرتمندی برخوردار نیستند، اما حقوق بین‌الملل محیط زیست، روندی تدریجی را به سوی حقوق سخت پیش گرفته است. از همین رو توسعه پایدار به عنوان نتیجه‌ای از یک اراده و اختیار معرفی می‌گردد که غیرالزام‌آور و سندی یک طرفه است و نیز از نظر قانونی همسان و همانند با آراء مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد» (Pogge; Sengupta, 2015: 572). به عبارت دیگر، «روشن است که (با اجماع نظر) دستور کار ۲۰۳۰ به عنوان یک منبع حقوق بین‌الملل که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری احصاء شده، نیست. اما از منظر دکترین حقوقی به عنوان حقوق نرم می‌تواند در تکامل حقوق بین‌الملل مورد بررسی بیشتری قرار گیرد» (Abi-Saab, 1971:9-10).

قطعا بدون وجود و استفاده از اسناد غیرالزام‌آور، امکان زمینه سازی برای همکاری بین‌المللی وجود نخواهد داشت. «به عنوان یک ملاحظه اولیه و بدون در نظر گرفتن این که حمایت‌های علمی زیادی برای اعمال تجدیدنظر در نقش و هنجارگونگی اسناد غیرالزام‌آور در حقوق بین‌الملل وجود دارد، در هر صورت به صورت گسترده‌ای این موضوع که چنین اسنادی دارای «تأثیر خاص حقوقی و رفتاری» بوده» (Handle, 1988; Friedrich, 2013: 2, Brune, 2008: 40) و «می‌تواند دارای ارزش کاربردی زیادی باشند؛ برای سطح ملی یا بین‌المللی یا بازیگران خصوصی (به طور بالقوه در مقیاس‌های مختلف و همزمان) مورد تایید قرار گرفته است» (Friedrich, 2013: ۱۴۳). در حقیقت، حقوق نرم، ابزاری است ترغیبی که دولت‌ها را با توجه به امکانات فعلی آنان به سمت پذیرش تعهدات سخت سوق می‌دهد.

این خاصیت سند نرم است که زمینه‌ساز و شالوده همکاری در وضعیت‌هایی است که دولت‌ها به سختی از پذیرش تعهدات آسرباز می‌زند. از اینرو دستور کار ۲۰۳۰ نیز دریچه‌ای برای ورود به دنیای واقعی و عملی رسیدن به توسعه پایدار می‌تواند باشد.

باید توجه داشت «در بررسی روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست که توسعه اصول و مبانی این گرایش از حقوق بین‌الملل از طریق اسناد بین‌المللی و عرف، غالبا در واکنش به پیشرفت‌های علمی بوده است و این پیشرفت‌ها، محرکی مهم در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده‌اند. از سوی دیگر، نقش سازنده بازیگران غیردولتی در فعل و انفعالات متقابل با

¹ - International Court of Justice (ICJ)

² - obligations

دولت‌ها و زمینه سازی برای شکل دهی اراده و تمایل آنها برای پذیرش و اجرای تعهدات حقوقی در حوزه محیط زیست شایان یادآوری است» (McCaffrey, 1993: 89) که می‌توان این گونه بیان کرد که: «ابزار اصلی برای تاثیر گذاری سازمان‌های غیردولتی افکار عمومی بین‌المللی است که این نهادها قدرت تاثیر و بازیگری فعال خویش در روابط بین‌الملل را مرهون آن هستند» (پورهاشمی، ارغند، ۱۳۹۲: ۲۵۳). «به‌طور کلی منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست نیازمند تمرکز بر تامین منابع مالی، برنامه‌های ملی، انتقال تکنولوژی، ظرفیت سازی، مقررات سازمانی و سازوکارهای اجرایی است تا بتواند به‌طور موثر و مستمر از محیط زیست جهانی حفاظت نماید» (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۱) که البته موارد بیان شده مستلزم «عملکرد مثبت کشورهای حوزه خلیج فارس در صرف بودجه در مسیرهای توسعه اقتصادی- اجتماعی، حفاظت و پیشگیری از تخریب محیط زیست می‌باشد» (ESCWA, 2017b:5).

۳- تاریخچه رابطه حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار

در بین دو مقوله محیط زیست و توسعه پایدار، تضادی وجود ندارد؛ همانطور که در فصل ۳۹ دستور کار ۲۱، با عنوان اسناد حقوقی بین‌المللی آمده است: توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در رابطه با توسعه پایدار، مستلزم توجه خاصی به توازن ظرفیت میان ملاحظات محیط زیست و توسعه خواهد بود. «حفاظت و نگهداری از محیط زیست بین‌المللی تعهد در مقابل جامعه بین‌المللی در کل بوده» (Shelton, 2009:39) و در نتیجه «دولت‌ها نه تنها به اصل عدم ایراد آسیب به سایرین، بلکه به اصل منع ورود ضرر به مشترکات عمومی (مانند مقولات حائز درجه نگرانی‌های مشترک^۱ - میراث مشترک بشریت^۲) نیز پای‌بند خواهند بود» (Hunter, 2002: 315). بدون شک حق بر داشتن محیط زیست سالم از جمله قواعد بنیادین بوده و امکان بهره‌برداری شایسته از آن انتظار می‌رود. اصل سیزدهم اعلامیه استکهلم رابطه بین حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را بیان می‌دارد، به موجب این اصل برای آنکه توسعه، پایدار باشد باید دولت‌ها روشی جامع و هماهنگ در برنامه توسعه خود اتخاذ نمایند به نحوی که توسعه آنها با ضرورت‌های پیشرفت و بهبود محیط زیست در جهت منافع آحاد مردم منطبق باشد. همچنین اصل چهارم اعلامیه ریو در این رابطه صراحتاً اعلام می‌دارد، برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد و نمی‌تواند جدای از آن باشد. در واقع شاخص‌های توسعه باید از نظر محیطی پایدار، از لحاظ اجتماعی عادلانه و درخور جامعه، از جنبه اقتصادی سودمند و سازگار باشند. بنابراین «معیار کلی برای تشخیص پایداری در اجرای شاخص‌های مذکور، ایجاد

^۱- Common Concern

^۲- Common Heritage of Mankind

تعادل مطلوب میان سه مکتب توسعه پایدار اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. محیط‌زیست بستر و زمینه لازم برای توسعه تلقی می‌گردد و حفاظت و نگهداری از آن نیز هرگز مانعی در راه توسعه محسوب نمی‌گردد؛ از این رو صلاحیت دولت‌ها در ارتباط با مدیریت توسعه‌ای، محدود می‌گردد. به علاوه اصل ۲۷ اعلامیه ریوا^۱ از دولت‌ها تقاضا می‌کند که در راستای توسعه حقوق بین‌الملل، در زمینه توسعه پایدار با یکدیگر همکاری کنند». (عزیزی، موسوی، ۱۳۹۵:۱۱۳) در محیط زیست دریایی نیز «بهره برداری و استفاده منظم و با برنامه‌ریزی دقیق از منابع دریا، باید توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را نیز در برداشته باشد و این خود راهی برای رسیدن به توسعه پایدار محیط زیست دریایی است» (شجاعی و دیگران، ۱۳۸۷:۷۸).

یکی از بازخوردهای مهم برگزاری کنفرانس سازمان ملل در خصوص انسان و محیط زیست استکهلم ۱۹۷۲، تأسیس برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد به‌عنوان بازوی جهانی و اجرایی این سازمان در موضوع محیط زیست و حفظ و نگهداری آن در زیر مجموعه این سازمان تأسیس گردید. بر این اساس موظف به ارزیابی وضعیت زیست محیطی جهان، تدوین برنامه‌های محیط زیستی در سطح جهانی و فراهم‌آوری بودجه لازم برای این امور گردید؛ «(فلاح پیشه، ۱۳۸۵:۲۹) که البته «منتقدین توسعه در مسائل مربوط به رشد اقتصادی اعتقاد دارند؛ باید شناسایی موضوعات محیط زیستی، مشارکت، برابری را مورد بازنگری قرار دهند و مقررات جهانی اهداف توسعه پایدار را با ارائه بهتر دیدگاه‌های توسعه نسبت به آنچه در گذشته انجام می‌شده اصلاح نمایند؛ در اصل، اهداف توسعه پایدار یک فرصت برای اصلاح تحریف‌های اهداف توسعه هزاره و بازیابی روایت توسعه است» (Fukuda-Parr, 2012:3).

از بین مهم‌ترین موضوعاتی که کشورهای حوزه خلیج فارس در سطح ملی و بین‌المللی برای پیشبرد جایگاه حقوق محیط زیست دریایی در مقوله حقوق بین‌الملل توسعه پایدار به آن نیاز دارند، اتخاذ راهبرد جامع توسعه پایدار و محیط زیست است. در پی موضوعات مطروحه، سیاست‌هایی قابل اتخاذ است که در دستیابی به توسعه پایدار، پیشرفت را برای کشورها به دنبال داشته‌باشد. اگرچه وضعیت کشورها قطعاً مثل هم نیست، اما برخی ویژگی توسعه‌ای مشترک میان آنها وجود دارد» (Dippenaar, 2004: 271) که «می‌تواند زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم نماید». (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲:۱۶۰) بنابراین نباید فراموش کرد که برای آنکه توسعه، به پایداری برسد باید همزمان دو فرآیند توسعه و حفاظت از محیط زیست همگام و همسو عمل کنند؛ در غیر این صورت نمی‌توان به آینده امید داشت و توسعه، ناپایدار و موقتی خواهد بود.

^۱- Rio Declaration

^۲- United Nations Environment Programme (UNEP)

۴- ویژگی‌های توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس در چارچوب سند ۲۰۳۰ و چگونگی اجرای آن

«اقیانوس‌ها، همراه با منابع ساحلی و دریایی، نقش اساسی در رفاه انسان و توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان بازی می‌کنند. استفاده پایدار و حفاظت دریایی و اکوسیستم‌های ساحلی و تنوع زیستی‌شان برای دستیابی به دستورکار ۲۰۳۰ برای جزایر کوچک در حال توسعه ضروری است» (مهرآرا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۰). «خلیج فارس مدل یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیک است که دربرگیرنده کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده، قطر و بحرین است؛ این کشورها به لحاظ فرهنگی متفاوتند ولی از نظر مسایل سیاسی، استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند» (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۴۱). از میان این هشت کشور، «کشور ایران و عربستان قدرت منطقه‌ای به‌شمار می‌روند و عراق نیز چنین وضعیتی را پیش از دهه ۱۹۹۰ داشته است. اما کشورهای دیگر، قدرت‌های کوچک هستند. باوجوداین، توجه قدرت‌های بزرگ به منطقه خلیج فارس و وجود دو قدرت منطقه‌ای که رقابت‌ها را در منطقه افزایش می‌دهد، در حفظ امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بسیار مهم است» (کشیشیان سیرکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۵). از جمله شرایط طبیعی و انسانی حاکم بر خلیج فارس که محیط زیست آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند، «عبارتند از: ۱- ورود پساب‌های صنعتی و غیر صنعتی ۲- تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا ۳- تخلیه آب توازن نفتکش‌ها که همراه خود نفت خام را وارد دریا می‌کنند. ۴- تبخیر بیش از میزان تغذیه و شوری بیش از میانگین معمول ۵- خصوصیت نیمه بسته بودن و تبادل و جابجایی اندک و ناچیز آب با اقیانوس هند از طریق تنگه هرمز و دریای عمان ۶- ورود آب گرم حاصل از خنک کردن نیروگاه‌ها. ۷- آلودگی ناشی از جنگ‌ها، ۸- آلودگی ناشی از تخلیه فاضلاب‌ها، ۹- آلودگی نفتی خلیج فارس ۱۰- آلودگی حاصل از تردد کشتی‌ها و اثرات آنها ۱۱- آلودگی‌های زیست محیطی دستگاه‌های آب شیرین کن ۱۲- تغییرات ساحل» (عسگری، ۲۰۱۳۸۷). «از آنجا که خلیج فارس در طول دهه‌های گذشته شاهد رخدادهای جنگی متفاوت افزایش، تردد کشتی‌ها، بستن قرارداد با پیمان‌کاران خارجی طبق استانداردهای کنوانسیون و پروتکل‌های آن بدون الزاماتی که برای مناطق ویژه اعلام شده است، می‌باشد، با این حال هیچ اقدامی در جهت به روزآوری و بازنگری مفاد کنوانسیون صورت نگرفته است. در این منطقه با وجود دو سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی^۱ و مرکز همکاری‌های متقابل در مواقع اضطراری در دریا^۲ که در زمینه حفاظت از محیط زیست

^۱ - Ballast Watter

^۲ - Regional Organization for the Protection of the Marine Environment (ROPME)

^۳ - Marine Emergency Mutual Aid Center (MEMAC)

دریابی فعالیت می‌کنند، عملکرد آن‌ها و همکاری کشورهای منطقه و به کارگرفتن ابزارهای حقوقی در این خصوص با عدم موفقیت مواجه بوده است» (شجاعی و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۹).
 اراده دستورکار ۲۰۳۰، به‌عنوان مکملی برای اهداف تحقق نیافته سند توسعه هزاره (۲۰۰۰الی ۲۰۱۵)، بر ایجاد دستورکاری کامل و یکپارچه است؛ که نشان دهنده قصد ملت‌های جهان برای تجمیع اهداف بلندمدت در دستورکار واحدی است. این آرمان‌ها مجموعه منسجمی از وظایف کشورها را تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده و با استفاده از تجربیات پیشین یعنی اهداف توسعه هزاره به ارائه راهبردهایی برای حل مشکلات کره زمین در زمینه فقر، آب سالم، محیط زیست، عدالت، انرژی و آموزش می‌پردازد. «حقوق بین‌الملل توسعه که به عنوان یک نظم حقوقی بین‌الملل در حال شکل‌گیری بر مبنای دو عنصر اساسی حق بر توسعه^۱ و وظیفه همکاری در زمینه توسعه استوار است» (Broude, 2011: 32)، «تلاش دارد تا فاصله میان دولت‌های جامعه بین‌المللی که برابری واقعی میان آنها وجود ندارد و تنها به ظاهر^۲ با یکدیگر برابرند، با توسل به ابزارها و روش‌های خاص خود نزدیک‌تر گرداند» (مافی، بذار، ۱۳۹۷: ۶۱۹).
 به‌عبارت بهتر «کشورهای حوزه خلیج فارس باید با همکاری یکدیگر در حفظ محیط زیست این منطقه کوشا باشند و برای جلوگیری از به خطر افتادن اکوسیستم آبی منطقه حداکثر تلاش خود را انجام دهند؛ اگرچه در این زمینه پژوهش‌های فراوان انجام شده ولی آلودگی‌های زیست محیطی خلیج فارس به‌خصوص آلودگی‌های نفتی، اکوسیستم این منطقه را تهدید می‌کند و این امر مستلزم همکاری از سوی کشورهای متعهد در جهت کاهش خطرات زیست محیطی است. اکوسیستم خاص این منطقه به علت دارا بودن شرایط اکولوژیکی خاص محیطی و وجود منابع غنی در معرض مخاطرات مستمر قرار دارد، با آگاهی از حساسیت محیط زیست خلیج فارس در مقابل آلودگی‌ها و لزوم اعمال ضوابط دقیق جهت حفظ آن، سهم اصلی از مسئولیت کشورهای حوزه خلیج فارس مطرح می‌شود، همان‌طور که آلودگی و تخریب دریا از مرزهای ملی و منطقه‌ای فراتر می‌رود، حفاظت از آن نیز محدود به مرزهای ملی نمی‌شود و خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نیست و بدون همکاری کشورهای ساحلی اصولاً حفاظت از این منطقه امکان‌پذیر نمی‌باشد» (سراجی، قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۴).

دستورکار ۲۰۳۰ شامل ۱۷ هدف اصلی است که در جهت افزایش کیفیت زندگی و کاهش عوامل زیان‌بار محیطی و اقتصادی و اجتماعی و افزایش آگاهی مردم و جامعه طراحی شده است. بنابراین در ادامه سعی بر این است انطباق ۲ هدف کاربردی ۱۴ و ۱۷ سند جهانی ۲۰۳۰ با

^۱ - The Right to Development

^۲ - محمد بجاوی در این زمینه تصریح می‌کند که کشورهای توسعه یافته در ظاهر اقلیت و در واقع اکثریت‌اند، اما کشورهای در حال توسعه در ظاهر اکثریت و در واقع اقلیت‌اند.

مؤلفه‌های توسعه پایدار و نقش آن در ایجاد توسعه پایدار محیط زیست خلیج فارس از ۱۷ هدف اصلی سند مربوطه، تشریح شود.

۴-۱- چگونگی انطباق هدف ۱۴ دستور کار ۲۰۳۰ با توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس

یکی از ۱۷ آرمان مندرج در دستورکار ۲۰۳۰ که در سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی سران دولت‌ها بر تعیین مسیری به سوی توسعه پایدار توافق کردند؛ حفاظت و بهره‌برداری پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد که در هدف شماره ۱۴ تعیین شده است. «در اهداف کاربردی مربوط به مناطق ساحلی، دو هدف خرد در هدف کلان ۱۴ یعنی ۱۴،۲ و ۱۴،۵ به منظور رسیدن به پایداری قطعی با کارکردی محدودکننده به کار گرفته می‌شود، با وجود اینکه این اهداف خرد در دیگر اهداف توسعه پایدار و سند ۲۰۳۰ به طور کلی مطرح شده‌اند اما نیازمند تفسیر خاص و بازنگری به طور دقیق بوده و باید با جزئیات بیشتر مورد تفسیر قرار بگیرند» (Chasek & Wagner, 2016:401) بنابراین برای استفاده از این اهداف در مناطق ساحلی، باید مقررات خاص مربوط به این مناطق وضع شود. برطبق اهداف فرعی از چهاردهمین هدف اصلی در این سند، حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها و منابع آنها از طریق اجرای قوانین بین‌المللی به‌ویژه «کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها»^۱ ملل متحد باید با چارچوبی قانونی تقویت گردد. دانش علمی، توسعه ظرفیت پژوهشی و انتقال فناوری‌های دریایی را با در نظر گرفتن معیارها و رهنمودهای کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین‌الدولی با هدف بهبود سلامت مربوط به انتقال فناوری‌های دریایی اقیانوس‌ها افزایش داده و همچنین سهم تنوع زیستی دریایی جهت توسعه کشورهای در حال توسعه، به ویژه جزایر کوچک در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته را نیز اضافه نموده و با مدیریت پایدار و حفاظت از بوم‌سازگان‌های دریایی، ساحلی و ایجاد تعادل میان خطرات زیست محیطی و خطر کاهش حمایت‌های مالی کشورهای توسعه یافته از طریق ایجاد اهداف مناسب، توسعه پایدار محیط زیست خلیج فارس را به سوی ماندگاری سوق داده تا ابعاد سیاست‌گذاری‌های کشورهای حوزه این خلیج، با در نظر گرفتن

^۱ - مدیریت پایدار و حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی و ساحلی به منظور پیشگیری از آثار نامطلوب، از جمله از طریق: تقویت توان تاب‌آوری آنها و اتخاذ اقدام در جهت بازسازی آنها با هدف ایجاد اقیانوس‌های سالم تا سال ۲۰۲۰.

^۲ - حفاظت از حداقل ۱۰٪ از مناطق ساحلی و دریایی تا سال ۲۰۲۰، مطابق با قوانین ملی و بین‌المللی و بر اساس بهترین اطلاعات علمی موجود.

^۳ - International Convention for the Law of the Sea

جایگاه ویژه‌ای برای این اهداف، از ناپایداری توسعه برحذر و ایمن باشند. «از آنجا که بیشتر اهداف توسعه پایدار مبتنی بر آرمان‌های بشردوستانه هستند، دلایلی وجود دارد که هدف ۱۴ را به عنوان یکی از هدف‌های «زیست محیطی» در مفهوم پایداری بدانیم که نه بر جایگزینی مداوم سرمایه طبیعی، بلکه بر امکان ترمیم، توانبخشی و حفاظت از آن تمرکز دارد» (Neumann, et al 2017: 1030).

«قانون پایستگی سرمایه طبیعی همانطور که به‌طور ضمنی در هدف ۱۴،۲ تدوین شده است، می‌تواند به‌عنوان مثال به تضمین عملکردهای زیست محیطی، حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌ها و یا تأمین پایدار خدمات اکوسیستمی اشاره داشته باشد. با این حال هدف ۱۴،۲ در این زمینه به لحاظ عملی، مبهم است. اولین شاهد این امر، بیان این عبارت است که اکوسیستم‌های دریایی و ساحلی را می‌بایست به شکلی پایدار مدیریت، محافظت کرد و توان مقاومتی آنها را تقویت نمود تا از بروز «اثرات منفی قابل توجه» جلوگیری شود. برای تعیین این «اثرات منفی قابل توجه»، نخست می‌بایست شاخص‌ها، اصول و آستانه‌های متناسبی تعریف شود. با توجه به تعدد عوامل تشدیدکننده مشخص شده در مناطق ساحلی، این امر مستلزم ایجاد یک چارچوب ارزیابی و نظارت پیچیده است که با استفاده از آن بتوان برهم کنش‌های اجتماعی-زیست محیطی فعالیت‌ها را در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی و بر اساس بهترین اطلاعات و دانش موجود رهگیری کرد. سپس مدیریت پایدار می‌تواند نسبت به «اثرات منفی قابل توجه» مانند سفید شدن مرجان‌ها، فروپاشی توده ماهی‌ها و یا آلودگی بالاتر از سطح تعریف شده واکنش نشان دهد و خود را هماهنگ سازد و با مدیریت اکوسیستم محور، در هم بیامیزد» (Neumann, et al 2017: 1035). اما واقعیت حاکی از آن است که نشانه‌های جدی مبنی بر این امر وجود دارد که فشارها بر روی مناطق ساحلی، به جای کاهش در آینده، از طریق گردشگری، تجارت و حمل و نقل، افزایش روزافزون تقاضا برای غذا، انرژی، منابع و امثال آن، بروز آلودگی و ریختن زباله و تغییرات آب و هوایی، افزایش خواهد یافت.

۴-۲- چگونگی انطباق هدف ۱۷ دستور کار ۲۰۳۰ با توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس

برای دستیابی به هدف ۱۷ سند ۲۰۳۰ (تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای

¹ - Substances of All Natural Capitals Constant (CNCR)

² - Significant Adverse Impacts

³ - Coral Bleaching

⁴ - Fish Stock

تحقق توسعه پایدار) توجه و کمک جدی به بازپرداخت دیون کشورهای در حال توسعه، بهبود ظرفیت ملی در حوزه جمع‌آوری مالیات و سایر درآمدها، اختصاص و اجرای رژیم‌های ترویج سرمایه‌گذاری، تامین منابع مالی اضافی، افزایش قابل ملاحظه صادرات کشورهای در حال توسعه، کمک‌های رسمی توسعه‌ای^۱ بر حسب درصدی از درآمد ناخالص ملی در نظر گرفته شده است. «براساس آخرین آمار که در سال ۲۰۱۳ ارائه شد، قطر با میانگین درآمد ۱۱۹۲۹۰ دلار در سال برای هر نفر، بیشترین سرانه درآمد ناخالص ملی را در بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده است و کویت در رتبه سوم این شاخص قرار گرفته است» (مافی، بذار، ۱۳۹۷: ۶۲۸).

با توجه به اجرای این هدف «جهانی شدن اطلاعات، افزایش مهارت‌های تکنولوژیک و آگاهی‌های زیست محیطی به تحقق توسعه پایدار، عینیت می‌بخشد. به علاوه، انتقال دانش تکنولوژیک و مهارت‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه این امکان را برای کشورهای مزبور فراهم می‌آورد که الگوی مشابهی از توسعه را در مسیری مطلوب دنبال کنند. اما کشورهای توسعه یافته به مرحله‌ای رسیده‌اند که میزان استفاده از انرژی را کاهش داده‌اند در حالی که نرخ رشد آنها افزایش یافته است. این تجربه می‌تواند الگویی برای کشورهای در حال توسعه باشد. لذا انتقال دانش در این زمینه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه برای توسعه پایدار مفید است» (دهشیری، ۱۳۹۴: ۷۳-۶۸) اما «سرمایه-گذاری در مناطق در حال توسعه دچار چالش‌هایی در ارتباط با اهداف توسعه‌ای است و به یک نمونه کار داخلی و بین‌المللی مانند برنامه‌هایی که در کشورهای توسعه یافته اجرا می‌شود، نیاز دارد» (Amegah and Agyei-Mensah, 2017:741; McCollum et al., 2018) به عبارتی استفاده از تامین مالی خارجی (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) باید در فعال سازی منابع داخلی سودمند بوده و رهبری این امور تنها محصور به کشورهای حوزه خلیج فارس باشد.

پویایی و یکپارچگی اجزای توسعه پایدار، باعث می‌شود تا هرگونه اختلالی در هریک از اجزای اقتصادی، اجتماعی و به ویژه محیط زیستی آن در یک منطقه جغرافیایی، سایر محدوده‌های جغرافیایی را در نقاط دیگر جهان نیز تحت تاثیر قرار دهد. از اینرو بسیاری از مشکلات و مسائل توسعه پایدار که جامعه جهانی مبتلا به آن است، ماهیت فراملی دارند و فائق شدن به این معضلات در گرو همکاری و تشریک مساعی کلیه کشورهای جهان است. به همین علت در آرمان ۱۷ بر تقویت ابزارهای اجرا و احیاء مشارکت جهانی به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار تاکید شده است. این آرمان و شاخص‌های ناظر بر آن فرصت‌هایی را در اختیار کشورهای توسعه یافته و در

¹ - Official Development Assistance (ODA)

حال توسعه قرار می‌دهد تا با بسیج منابع و توانمندی‌های خود بتوانند به تقویت همکاری‌ها و مشارکت برای تحقق آرمان‌ها و اهداف توسعه پایدار گام بردارند. به‌طور کلی چارچوب آرمان ۱۷ نمایان می‌کند که مسئولیت برای دستیابی به اهداف بر عهده خود کشورهای در حال توسعه است. کشورها ملزم هستند، منابع داخلی را برای تأمین مالی برنامه‌های خود بسیج کنند و برای تقویت مدیریت اقتصادی، اصلاحات سیاستی را به گونه‌ای به اجرا درآورند که همه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شوند و ظرفیت‌های آماری و اطلاعاتی، صادرات، پاسخگویی و فناوری اطلاعات را توسعه دهند.

۳-۴- روش‌های اجرای اهداف توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس با تکیه بر دستور کار ۲۰۳۰

«دولت‌ها وظیفه دارند اهداف توسعه پایدار را با توجه به شرایط مناسب محلی اجرایی کنند. با این حال، برخی اقدامات کلیدی وجود دارد که همه کشورها می‌توانند بر طبق روش‌های خود انجام دهند که به هماهنگی اجرای آنها کمک می‌کند.» (۹۱۸: ۱۶، ۲۰۱۶، Stafford-Smith et al) با استفاده از چشم انداز علمی و عملی پایداری جهانی در سند ۲۰۳۰ و برطبق هدف ۱۷، هفت مورد ابزار اجرایی برای بهبود روابط در سطح جهانی و ملی می‌توان در نظر گرفت: ابزار مالی، فناوری، ظرفیت‌سازی، تجارت، انسجام سیاست، مشارکت و سرانجام نظارت بر داده‌ها و پاسخگویی. مسلماً تحقق این ابزارهای اجرایی بدون مانع و چالش میسر نخواهد شد.

- در ابزار مالی، بخش خصوصی به ویژه در کشورهای با درآمد پایین، قادر به سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار در بلند مدت نیست، اما با ایجاد انگیزه‌های قانونی و نظارتی برای سرمایه‌گذاری بلند مدت در توسعه بازارهای اولیه در کشورهای با درآمد پایین، به‌ویژه برای محصولات و خدماتی که از توسعه پایدار حمایت می‌کنند، می‌توان به اقدامات مثبتی در سطح ملی و جهانی دست یافت.

- در ابزار فناوری، برای ثابت نگهداشتن انتقال نوآوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای کمتر توسعه یافته در سطح جهانی، ارتقاء سیستم یکپارچه نوآوری جهانی برای ترویج دانش توسعه پایدار و مبادلات فناوری مبتنی بر فعالیت‌های زیست محیطی، اقتصادی و فرهنگی موثر بوده و در سطح ملی، این ابزار، مستلزم یک رویکرد مشارکت بین کشورهای با درآمد پایین و بالاتر برای تولید دانش، فناوری‌ها و فرایندهای پایداری است.

- در ابزار ظرفیت‌سازی، از عدم درک عمیق از سیستم‌ها که مانع اجرایی شدن می‌گردد، جلوگیری به عمل آورده و از فناوری‌های جدید برای آموزش همه بخش‌های جامعه و برای رسیدن به پایداری جهانی اطمینان حاصل شود.

- در ابزار تجارت، سیاست‌های تجاری با عدم سودآوری که کشورهای با درآمد پایین و تازه واردها به بازارهای پایدار وارد می‌کند، مواجه است. بنابراین در سطح جهانی، اطمینان از سیستم‌های تجاری در هر مرحله از رونق تجارت در محصولات و خدمات و همچنین در سطح ملی حمایت فعال از تجارت می‌تواند راه‌گشا باشد.

- در انسجام سیاست، عدم رهبری متمرکز بر روی حفظ رفاه دراز مدت انسان تاثیر منفی بر یکپارچگی اجرای اهداف توسعه پایدار می‌گذارد. نظارت جهانی و ملی بر برنامه‌های توسعه پایدار که روابط بین بخش‌های مجزا را تقویت کرده و انسجام سیاست را ارتقا می‌بخشد، ضروری است.

- عدم وجود تبعیض میان ذینفعان در ابزار مشارکت‌های چند ذینفعی که برای اهداف مختلف باید شریک شوند و یک هدف مشترک یعنی رسیدن به اهداف توسعه پایدار را دنبال کنند.

- ابزار نظارت بر داده‌ها و پاسخگویی، راه را برای شناسایی مجموعه‌ای از «متغیرهای ضروری توسعه پایدار» هموار می‌کند و در عین حال از مجموعه‌ای از شاخص‌های یکپارچه برای ردیابی و برقراری ارتباط استفاده می‌کند.

«برای اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ در مناطق و کشورهای حوزه خلیج فارس می‌بایست علی‌رغم تصویب این سند به‌عنوان چارچوب اصلی توسعه بین‌المللی، با این محیط‌ها متناسب سازی شود. تفسیر این دستورکار در قالب یک مدل کارآمد، همواره با تهدید مداخله‌گرایی و تحرکات ژئوپلیتیکی از یک سو و متناسب سازی نه‌چندان موثر از سوی دیگر روبه‌رو است. کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و همچنین ایران با انجام مجموعه‌ای از چندین اصلاحات در زمینه‌های پولی، مالی، خدمات شهروندی و هزینه‌های نظامی، می‌توانند برنامه‌های دراز مدت توسعه اجتماعی را ایجاد کنند که به کاهش نابرابری‌ها، ارتقای رفاه اقتصادی-اجتماعی و افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی ضروری بیانجامد و حاکمیت قانون را ترویج نماید. بنابراین لازم است که بسیاری از کشورهای عرب منطقه بدانند که انحصار سیاسی و اقتصادی بهای سنگینی همراه دارد که پراخت آن در دراز مدت امکان‌پذیر نیست» (Rihan, Lamia Moubayed, 2019).

474)

«مسئله اساسی این است که اهداف توسعه پایدار باید بتواند چارچوب متناسبی برای عملی کردن سیاست‌های توسعه بومی فراهم سازد که این امر منجر به ایجاد تعهدات چند جانبه در سطح ملی در جهت سازگاری با سطح بومی در اجرا و بازبینی اهداف توسعه پایدار می‌شود» (Wright, 2018:4) همچنین بر «توسعه داده‌های پراکنده در «چارچوب مرجع شهرهای

پایدار» و بر شاخص‌های محلی تأکید شود تا با استفاده از استراتژی محلی به صورت یکپارچه بر اهداف توسعه پایدار نظارت داشته و سیاست‌های راهبردی محلی را بتوان بر طبق شرایط هر منطقه مقرر کرد» (Wright, 2018:7). «بنابراین بومی سازی از طریق توسعه متکی به خود و مبتنی بر دانش بومی به توانبخشی جامعه بومی و افزایش کارآیی آن کمک میکند. برای کمک به جوامع فقیر روستایی و بومی کشورهای در حال توسعه بهتر است در این کشورها، دانش بومی به صورت مناسب و کارآمد، پرورش داده شود. البته با توانمندی بیشتر اهالی، در آینده می‌توان شاهد پذیرش و کاربرد سنجیده بخشی از فناوری‌های غیر بومی بود» (Thrupp, 1989:10)

این روند بیانگر «نحوه بومی‌سازی است که ابتدا با احیاء و تقویت روش‌ها و دانش بومی کارآمد به توانبخشی جامعه محلی کمک می‌کند و سپس با بالا رفتن قدرت انتخاب، امکان‌پذیر شدن آگاهانه روش‌های نو را فراهم می‌سازد» (جمعه پور، ۱۳۹۳:۵۸). «دفاع از حق بومیان بر زمین یکی از عوامل مهم حمایت از امرار معاش و محیط زیست آنهاست. معنای تلویحی استنادی در کمیسیون‌ها و دادگاه‌ها به حق بر دارایی، احترام به حق بومیان بر برخورداری از محیط زیستی مناسب برای زندگی است. کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار، اعلامیه ۲۰۰۷ و اسناد حقوق بشری بین‌المللی مختلف نقش مهمی در جلب توجه جامعه جهانی به آسیب‌پذیر بودن محیط زیست مردم بومی بازی می‌کنند. از آنجا که زمین‌ها و منابع، بخش‌های مکمل هر محیط زیستی هستند، حق بومیان بر زمین‌هایشان به راحتی در محدوده حق‌های زیست محیطی نوظهور قرار می‌گیرد» (حجار لیب، ۱۳۹۶، ۲۳۸).

بر واضح است تحقق توسعه پایدار در مناطق بومی با شناخت، دانستن نقش و تاثیر سطح دانش مردمی که در آنجا سکونت دارند، آسان‌تر می‌شود؛ زیرا مشارکت مردم در ایجاد تمدن و میراث با ارزش طبیعی و فرهنگی، نشانگر پذیرش مفهوم میراث جهانی بشر یا همان میراث مشترک بشر است که در ارتباط با حقوق نسل‌های آینده و به عبارتی همان توسعه پایدار است. در همین راستا می‌توان با جدیت بیان داشت که دانش بومی مردمی که از نسل گذشته به ارث رسیده است و به نسل بعدی منتقل خواهد شد، تطابق و سازگاری بیشتری با مفهوم توسعه پایدار دارد. لذا می‌توان به آینده‌ای امیدوار بود که با قدم‌های محکم در اجرای شاخص‌های توسعه پایدار به ابعاد توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی دست یافت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر طبق فرهنگ و سیاست‌های مختلف در کشورهای حوزه خلیج فارس و نتایج به دست آمده در توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس، می‌توان بر اساس وضعیت پایداری این گونه

¹ - Reference Framework for Sustainable Cities (RFSC)

بیان نمود که دنیای محیط زیست بدون توسعه پایدار بی‌معناست و دوامی ندارد. در سال‌های اخیر عوامل مختلفی چون افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده غلط از منابع طبیعی باعث بروز آلودگی شدید و زیست محیطی این منطقه گردیده‌است و به‌عنوان یک محیط زیست دریایی که اکثر مبادلات نفتی دنیا از این آبراه انجام می‌شود در معرض بسیاری از آلودگی‌های نفتی و غیره قرار دارد. یکی از موضوعاتی که در سال‌های گذشته در قوانین زیست محیطی و حقوق کشورها مطرح شده است بحث توسعه پایدار و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی آن می‌باشد. بسیاری از قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌ها به این موضوع اشاره داشته‌اند که کشورها می‌بایستی اصول مربوط به توسعه پایدار را رعایت نمایند. بنابراین کشورهای حوزه خلیج فارس نقش مهمی در به اجرا درآمدن توسعه پایدار در خلیج فارس دارند؛ با اینکه محیط زیست خلیج فارس از نظر موقعیت جغرافیایی، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی و منافع کشورهای ساحلی به موضوعی ژئوپولیتیکی تبدیل شده است اما به نظر می‌رسد هنوز کشورهای ساحلی به درجه قابل قبولی از اهمیت مسئله محیط زیست خلیج فارس نرسیده‌اند و از آنجاییکه شرایط محیطی، فرهنگی، اقتصادی و ... کشورها قطعا مثل هم نیست، اما برخی از ویژگی‌ها به واسطه مشترک بودن میان آنها می‌توانند برنامه‌های درازمدت توسعه‌ای را ایجاد کنند که به کاهش نابرابری‌ها، ارتقای رفاه اقتصادی اجتماعی و افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی ضروری بیانجامد و همچنین تبعیت از قوانین مشترک را میان کشورهای حاشیه خلیج فارس سرایت دهد. باید در نظر داشت صرفاً با الگوبرداری از مناطق دیگر به دلیل عدم مشابهت‌ها، دست یافتن به توسعه‌ای پایدار از تصور به دور است. در این رهگذر، توجه به شرایط منطقه‌ای و بکارگیری شرایط محلی و بومی مناسب و متناسب با محیط زیست موجود می‌تواند برای رسیدن به توسعه پایدار مفید و مثمر ثمر باشد. این بدان معنی است که برای عینیت بخشیدن به دستورکار ۲۰۳۰ نیاز به رویکرد بومی سازی اهداف توسعه پایدار احساس می‌شود. دولت‌ها و سازمان‌های عمومی، مشارکت نزدیکی برای پیاده سازی با حاکمیت‌های بومی و محلی، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های بشر دوستانه، گروه‌های داوطلب و غیره خواهند داشت. بومی سازی را می‌توان اینگونه توصیف کرد که: مراحل که با یکسری راهکارهای نو برای تحقق اهداف توسعه پایدار جهانی از طرق بومی، ملی و محلی؛ تعریف، بازبینی و اجرا شود. به‌همین منوال، وارد کردن سند ۲۰۳۰ به دنیای جذاب محیط زیست دریایی خلیج فارس، هم به تکامل محیط زیست گرایی و هم به تکامل توسعه پایدار در قوانین منطقه‌ای می‌انجامد.

در نهایت اهداف دستورکار ۲۰۳۰ که یک دستورکار بین‌المللی و جهانی است، با توسعه پایدار محیط زیست خلیج فارس دارای همخوانی و انطباق است و شاخص‌های توسعه پایدار علی

رغم حرکت کند به سوی توسعه همه جانبه، نهایتاً منجر به برقراری تعادل میان رشد اقتصادی و حفاظت زیست محیطی می‌شود. در این پژوهش، توسعه پایدار بر اساس اهداف ۱۴ و ۱۷ سند ۲۰۳۰، چه در کشورهای توسعه یافته چه در کشورهای با توسعه یافتگی پایین، از منظر جهانی شدن و بین‌المللی بودن مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه هر هشت کشور بتوانند برای رسیدن به مقصود نهایی یعنی اجرای اهداف توسعه پایدار دستورکار ۲۰۳۰ در خلیج فارس با ایجاد دستورکار مشترک بومی و با بکارگیری هفت ابزار اجرایی برای بهبود روابط در سطح جهانی و ملی از جمله: ابزار مالی، فناوری، ظرفیت‌سازی، تجارت، انسجام سیاست، مشارکت و سرانجام نظارت بر داده‌ها و پاسخگویی، هماهنگ عمل نمایند؛ مطمئناً با این گونه اقدامات، قدمی راسخ در راه دشوار اجرایی شدن این اهداف برخواهند داشت؛ مسلماً تحقق این ابزارهای اجرایی بدون مانع و چالش میسر نخواهد شد؛ زیرا با توجه به مواضع ناعادلانه و موانع مختلف بین‌المللی از جمله: تحریم‌های بین‌المللی، جنگ و ... شرایط هر کشور متفاوت از دیگر کشورها به جهت قرارگیری در وضعیت نامطلوب یا مطلوب محیطی است و بررسی این موارد باید توسط حقوق-دانان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان تک‌تک کشورهای منطقه که آشنا به اوضاع داخلی و ملی هستند به طور دقیق به عمل آمده و در هر مرحله با مشارکت دولت‌ها برای دستیابی و تدوین دستورکاری جامع و مشترک به حل مشکلات ماقبل و پیشرو بپردازند که در ادامه به بیان تعدادی از پیشنهادها اشاره خواهد شد:

- انعقاد توافقات بین‌المللی به جهت حل مشکلات زیست محیطی جهانی از طریق مقامات زیست محیطی منطقه‌ای؛

- انعقاد توافقات بین‌المللی به جهت همکاری بین کشورهای توسعه یافته و با پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی در زمینه انتقال فناوری‌های نوین؛

- امضای موافقت‌نامه میان کشورهای منطقه خلیج فارس برای به‌روزکردن کشتی‌های نفت کش به جهت جلوگیری از آلودگی‌های نفتی؛

بدین ترتیب است که اجرای اهداف کاربردی و جامع محیط زیستی در دستورکارهای توسعه پایدار در سطح بین‌المللی با کمک ابزارها، دست‌یابی به تعادل میان شاخص‌های توسعه پایدار را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

منابع

- پورهایمی، سیدعباس، ارغند، بهاره (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، نشر دادگستر.
- پورهایمی، سیدعباس، جوادی، علی رضا، شیرازیان، شیرین (۱۳۹۷)، «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط زیست (بارویکردی انتقادی)»، *فصلنامه علوم و*

- تکنولوژی محیط زیست**، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۳۹.
- پورهایمی، سیدعباس، طیبی سبحان و طالع خرسند، هادی (۱۳۹۷)، «طراز جهانی حقوق بین‌الملل محیط زیست: راهبردها و رهیافت‌ها»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۰.
 - جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۳)، «بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرآیند آن»، **دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران**، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۷۹-۵۰.
 - حجار لیب، لیندا (۱۳۹۶)، **حقوق بشر و محیط زیست**، دورنمای فلسفی، نظری و حقوقی، مترجم: رضا امینی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
 - دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، «جهانی شدن و توسعه پایدار»، **فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار**، سال چهارم، شماره دوم.
 - سراجی، مصطفی، قاسمی، فاطمه (۱۳۹۵)، «مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری از آلودگی جزایر مصنوعی (مطالعه موردی: خلیج فارس)»، **فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، سال دوم، شماره ۲/۲، صص ۱۱-۲۶.
 - سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۲)، «مفهوم توسعه پایدار در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۹، صص ۱۶۶-۱۴۵.
 - شجاعی، سارا، پروین فرشچی و فرهاد دبیری (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)»، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره نهم، شماره چهارم، صص ۷۵-۸۶.
 - شهبازی، آرامش، برلیان، پویا (۱۳۹۷)، «نقش زیست فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۲۳-۴۳.
 - طیبی، سبحان، زارع، علی، نادری، شیما (۱۳۹۸)، «دیپلماسی محیط زیست در پرتو همگرایی بین‌المللی؛ رهیافتی موثر در نیل به سوی حقوق بین‌الملل توسعه پایدار»، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره بیست و یکم، شماره ۹، صص ۱۸۵-۱۹۹.
 - عزیزی، ستار، موسوی، سید مهدی (۱۳۹۵)، «پرونده گابچی‌کو و ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۵، صص ۱۰۹-۱۳۴.
 - عسگری، سهراب (۱۳۸۷)، «محیط زیست خلیج فارس، رویکرد پر اهمیت در ژئوپلیتیک منطقه»، **فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر**، دوره ۱۷، شماره ۱.
 - عسگری، سهراب، صادقی، فرزانه، خان محمدی، زهرا (۱۳۹۳)، «ویژگی‌های زیست محیطی

- خلیج فارس و جایگاه آن در کنوانسیون‌های کویت و حقوق بین‌الملل دریاها ۱۹۸۲»، *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر*، دوره بیست و سوم، شماره هشتاد و نهم.
- فلاحت‌پیشه، شهروز (۱۳۸۵)، «نگاهی به برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد»، *فصلنامه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره ۲۵، صص ۲۸-۳۱.
- کشیشیان سیرکی، گارینه، سهیلی نجف آبادی، سهیل، فائدی، محمدرضا، سیمبر، رضا (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر سیاست‌های نظامی بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۸۲.
- لطفی، حیدر، بقایی، حمید، موسوی، رضا، خیامباشی، سهیل (۱۳۸۹)، «محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن»، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال سوم، شماره اول، صص ۱-۹.
- مافی، همایون، بذار، وحید (۱۳۹۷)، «تلاش‌های سازمان ملل متحد در زمینه توسعه با تأکید بر اعلامیه توسعه هزاره ملل متحد (۲۰۰۰)»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، شماره ۳، ۶۳۸-۶۱۷.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، سلسله نوشتاری در جغرافیای سیاسی خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مهرآرا، اسداله، زارع زیدی، علیرضا، مدانلو جویباری، سپیده (۱۳۹۷)، «بررسی نقش حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار»، *دوماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*، سال سوم، شماره ۳، پیاپی ۱۰، صص ۱۰۵-۱۱۵.

English References

- Amegah, A Kofi, Agyei-Mensah, Samuel (2017), "Urban air pollution in Sub-Saharan Africa: time for action", *Environ Pollut.* 220, PP. 738-743.
- Broude, Tomer (2011), *Development Disputes in International Trade, in Book of Law and Development Perspective on International Trade Law*, edited by Yong-Shik Lee, Gary Horlick, Won-Mog Choi, and Tomer Broude, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bruneel, Jutta (2008). "International Legislation", *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*. Online edn. Available at: <<http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law9780199231690-e1429?result=4>>. Accessed: 5 Mar, 2016.
- Chasek, Pamela, Wagner, Lynn, (2016) Breaking the mold: a new type of multilateral sustainable development negotiation, *International Environmental Agreements: Politics,*

Law and Economics, Vol16(3):PP. 397–413. doi:10.1007/s10784-016-9320-2

- Dippenaar, Stephanie and Others (2004). "Developing Countries' Perspective on Energy and Water Issues, Council for Scientific and Industrial Research, South Africa, In Integrating Science and Technology into Development Policies, An International Perspective", **Organization for Economic Co-operation and Development**.
- ESCWA, (2017), "The Arab Financing Development Scorecard. Beirut", **United Nations Economic and Social Commission for Western Asia**.
- Friedrich, Jurgen (2013). "International Environmental "soft law"". **Springer-Verlag Berlin Heidelberg**, XXI, 503 Pages.
- Fukuda-Parr, Sakiko (2012). "Recapturing the Narrative of International Development," **United Nations Research Institute for Social Development**, No. 5. PP.1-26.
- Handl, Gunter et al (1998). "A Hard Look at Soft Law", **American Society of International Law Proceedings**, v. 82.
- Hillgenberg, Hartmut (1999). "A Fresh Look at Soft Law", **European Journal of International Law**, v. 10, n. 3.
- Hunter, David; Salzman, James, and Zaelke, Durwood (2002). "International Environmental Law and Policy", **Foundation Press**, Second Edition, 1547 Pages.
- Khalatbari, Yalda, Poorhashemi, Abbas (2019). "Environmental Damage: Challenges and opportunities in International Environmental Law", **CIFILE Journal of International Law**, 1(1), PP. 21-28.
- McCaffrey, Stephen C. (2019), "The Law of International Watercourses", **Oxford, United Kingdom; New York: Oxford University Press**, Third Edition, 642 Pages.
- McCollum, David .L., Zhou, Wenji, Bertram, Christoph, Boer, Harmen-Sytze, Bosetti, Valentina, Busch, Sebastian, Després, Jacques, Drouet, Laurent, Emmerling, Johannes, Fay, Marianne, Fricko, Oliver, Fujimori, Shinichiro, Gidden, Matthew, Harmsen, Mathijs, Huppmann, Daniel, Iyer, Gokul, Krey, Volker, Kriegler, Elmar, Nicolas, Claire, Pachauri, Shonali, Parkinson, Simon, Pobleto-Cazenave, Miguel, Rafaj, Peter, Rao, Narasimha, Rozenberg, Julie, Schmitz, Andreas, Schoepp, Wolfgang, van Vuuren, Detlef, Riahi, Keywan, (2018). "Energy investment needs for fulfilling the Paris Agreement and achieving the Sustainable Development Goals", **Nature Energy** 1, PP. 589–599. [https:// doi.org/10.1038/s41560-018-0179-z](https://doi.org/10.1038/s41560-018-0179-z).

- Neumann, Barbara, Ott, Konrad, Kenchington, Richard. (2017), “Strong sustainability in coastal areas: a conceptual interpretation of SDG 14”, *Sustainability Science and Implementing the Sustainable Development Goals*, 12:1019–1035.
- Pogge, Thomas; Sengupta, Mitu. (2015) “The Sustainable Development Goals as Drafted: Nice Idea, Poor Execution”, *Washington International Law Journal*, Vol. 24, No. 3. PP. 571-587.
- Rihan, Carl, Bissat, Lamia Moubayed, (2019), “Implementing Agenda 2030 in the Arab world: Contextualization, action areas and policy planning”, *Public Sector Economics*, Vol. 43, Issue 4, PP. 459 – 476.
- Shelton, Dinah (2009). “Common Concern of Humanity”, *Environmental Policy and Law*, Vol. 2, No. 39, PP. 83-102.
- Stafford-Smith, Mark, Griggs, David, Gaffney, Owen, Ullah, Farooq, Reyers, Belinda, Kanie, Norichika, Stigson, Bjorn, Shrivastava, Paul, et al, Integration: the key to implementing the Sustainable Development Goals, 2017, *Sustainability Science and Implementing the Sustainable Development Goals*, Springer. 12, PP. 911–919.
- Stakeholder Forum: Coopman, Anna, Osborn, Derek, Ullah, Farooq, "Implementing the SDGs in an Integrated and Coherent Way", Bioregional: Emily Auckland –and Newcastle University: Dr Graham Long. A RESEARCH PILOT BY STAKEHOLDER FORUM, *BIOREGIONAL AND NEWCASTLE UNIVERSITY*, www.stakeholderforum.org.
- Thrupp, L.A. (1989). “Legitimizing local knowledge: Sciencetized packages or empowerment for third world people” In D. Micheal Warren et al, *Iowa state university research foundation*, Vol. 6(3), PP.13-24.
- Wright, Carl, (2018). “Sustainable Development Through Local Action”, *Report Prepared for the United Cities and Local Government Capacity and Institution Building Working Group*, PP.1-32.

Les Références (en Français)

- Abi-Saab, Georges (1971). “Les résolutions dans la formation du droit international du développement”, *Geneva: Institut Universitaire de Haute Etudes Internationales*.

Archive of SID